



دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم

خبرنامه اطلاع رسانی داخلی
دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم

ویژه نامه شهادت امیرالمومنین علی (ع)



شهر قائد

کتاب، هنر، آموزش، پژوهش، اطلاع رسانی، فرهنگ

پروژه فرهنگی و تبلیغی

۱۳۹۵



علم در لسان مولای غدیر

«الْعِلْمُ وَرِزْقُهُ كَرِيمَةٌ وَالْأَدَابُ حُلْمٌ مُجَدَّدَةٌ وَالْفِكْرُ مِرْأَةٌ صَافِيَةٌ»،
«دانش، میراثی گرانبها و آداب، زیورهای همیشه تازه و اندیشه،
آیینی ای شفاف است». (اعلام الدین فی صفات المؤمنین، دیلمی،
ص ۱۰۸)

نگاهی به شخصیت علی(ع)

علی(ع) نمونه و الگوی کاملی از انسانیت، عدالت، مظلومیت، صداقت، وفاداری، علم و ... می باشد که در تاریخ جهان ثبت شده است و حیرت همگان از دوست و دشمن، دانشمند و غیر دانشمند، مسلمان و غیر مسلمان را برانگیخته است. آن چه بیش از همه در رفتار امام(ع) مشهود می باشد رفتار ایشان با کارگزاران و توصیه هایی که به آن ها داشته است.

نگاهی به ابعاد زندگی مولا امیرالمومنین(ع) نشان دهنده خداپرستی، مردم داری، دوست دار فقرا و بینوایان، مصلحت اندیشی، تدبیر، صداقت و ... می باشد. که می تواند به عنوان سرمشقی برای نسل های متمادی باشد.

فضائل حضرت به اندازه ای گسترده است که قلم از به رشته تحریر درآوردن آن درمانده است. به اقتضای متن و فراخور مباحث در این نوشتار به کلیتی از زندگی امام(ع) پرداخته می شود.

گذری به ولادت مولود کعبه(ع)

حضرت علی(ع) در ۱۳ رجب سال ۳۰ عام الفیل در کعبه متولد شد. (مرآة العقول فی شرح اخبار آل الرسول، مجلسی، ج ۵، ص ۲۷۶)

پدر امیر مومنان(ع)، ابوطالب بزرگ مکه و بنی هاشم بود و مادر ایشان فاطمه دختر اسد فرزند هاشم می باشد. این بانوی مکرم از نخستین زنانی بود که به پیامبر ایمان آورد. (پژوهشی پیرامون زندگی علی(ع)، سبحانی، ج ۱، ص ۱۸ - ۱۹)

علی مرتضی(ع) دارای نام ها، القاب و کنیه های فراوانی بود که به اختصار به تعدادی از آن ها اشاره می شود. ایشان به نام های علی، حیدر و زید نیز شناخته شده بودند. داری کنیه های ابوالحسن که مشهورترین، ابوتراب که محبوب ترین، ابوالحسن، ابوالقاسم، ابومومنین (رک: دانشنامه امام علی(ع)، رشاد، ج ۱۰، ص ۳۳۱ - ۳۴۴)، ابو الریحانین (مناقب آل ابی طالب(ع)، ابن شهر آشوب مازندرانی، ج ۳، ص ۳۶۱) و ... نیز بودند.

امام(ع) همچنین به القاب ابوالیتامی، اسدالله و الامام معروف بود. (رک: دانشنامه امام علی(ع)، رشاد، ج ۱۰، ص ۳۴۵ - ۳۴۶)

ثمره ازدواج حضرت علی(ع) و سرور زنان عالم فاطمه زهرا(س) فرزندان بی نام های امام حسن و امام حسین(ع)، محسن، زینب(س)، ام کلثوم ... بودند. (الإرشاد فی معرفة حجج الله علی العباد، مفید، ج ۱، ص ۳۵۴)

قابل توجه می باشد که مطالعه در زندگی هر یک از فرزندان این بزرگواران به خوبی روشن می نماید که این شجره طیبه در عصر خود و بعد آن الگوهای کاملی برای مردمان بوده و هستند. که اگر از سیره و روش این خاندان پاک در زندگی انسان امروز، بهره گرفته شود، به سعادت در دنیا و آخرت منتهی می شود.

نمایی از سبک زندگی خانوادگی امام(ع)

همان طور که قبل مطرح شد، ایشان الگوی کاملی از انسانیت در تمام ابعاد زندگی اعم فردی و اجتماعی هستند که نسل امروز نیازمند تاثیرپذیری از چنین الگویی می باشد تا در مسیر زندگی به بیراهه نرود و به هدف غایی آفرینش نیز نایل شود.

از زیباترین جلوه های زندگی خانوادگی مولای متقیان نحوه برخورد با فرزندان ایشان بود که برگرفته از تربیت و روش آموزشی قرآن و سنت است اهتمام حضرت(ع) به ویژه به حقوق متقابل فرزند و والدین بود. (رک: دانشنامه امام علی(ع)، رشاد، ج ۱۰، ص ۲۳ - ۲۶)

البته توجه حضرت به تربیت فرزند به اندازه ای بود که فرمود: «فرزندان خویش را به آداب و نوع تربیت خویش محدود نسازید، زیرا آنان برای روزگاری غیر از روزگار شما آفریده شده اند». (شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج ۲، ص ۲۶۷)

ایشان در فرآزی از وصیت خویش به امام حسن و حسین(ع) فرموده است: «... أَوْصِيكُمْ بِتَقْوَى اللَّهِ وَ أَنْ لَا تَبْغِيَ الدُّنْيَا وَ إِنْ يَغْتَكِمَا وَ لَا تَأْسَفَا عَلَى شَيْءٍ مِنْهَا زَوْيَ عَنْكُمَا وَ قَوْلًا بِالْحَقِّ وَ أَعْمَلًا لِلْآخِرَةِ وَ كُونَا لِلظَّالِمِ حَضَمًا وَ لِلْمُظْلَمِ عَوْنًا أَوْصِيكُمْ وَ جَمِيعَ وَ لِدِي وَ أَهْلِي وَ مَنْ بَلَغَهُ كِتَابِي بِتَقْوَى اللَّهِ وَ نَظْمِ أَمْرِكُمْ وَ صَلَاحِ ذَاتِ بَيْنِكُمْ فَإِنِّي سَمِعْتُ جَدَّكُمْ ص يَقُولُ صَلَاحُ ذَاتِ الْبَيْنِ أَفْضَلُ مِنْ عَامَةِ الصَّلَاةِ وَ الصِّيَامِ ...»، « شما دو نفر را به تقوای الهی و طلب نکردن دنیا،



هر چند شما را طلب کند، وصیت می کنم. بر آن چه از دنیا که از شما دریغ شود تاسف نخورید. سخن حق بگویند و برای پاداش عمل انجام دهید. دشمن ظالم و یار مظلوم باشید، شما و هر آن که نوشته ام به او برسد را به تقوای الهی، نظم در امور و اصلاح بین مردم وصیت می کنم. از رسول خدا(جد شما) شنیدم که فرمود: اصلاح بین دو نفر بهتر از یک سال نماز و روزه است...». (بحار الأنوار، مجلسی، ج ۴۲، ص ۲۵۳)

گوشه ای از فضائل امام(ع)

فضائل حضرت به مانند اقیانوس بیکرانی در گیتی می باشد که هر کسی به اندازه توان و وسعش از آن بر می دارد. البته اهل ایمان و زیرکان در این راه در پی استفاده بدون مرز از فضائل و سیر امام(ع) هستند. که در این مجال به گوشه ای از این فضائل و خصلت های ناب انسانیت اشاره می شود.

۱. ایمان و عبادت علی(ع)

علی(ع) شخصیت برجسته ای است که در قرآن، آیات ۲۰۷ و ۲۷۴ از سوره بقره در شأن ایشان نازل شده است. اگر در این آیات تاملی داشته باشیم به این مهم می رسیم که ایشان از پیشگامان در اسلام و ایمان بودند. پیشتازی از شاخصه های شخصیتی امام علی(ع) بود که در متون مختلف به دفعات ذکر شده است. همچنان که پیامبر(ص) در جمع یاران خود فرمود: «أُولَئِكَ وَرُودًا عَلَى الْخَوْضِ أُولَئِكَ إِسْلَامًا عَلِيُّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ»، «نخستین کسی که در روز رستاخیز با من در کنار حوض ملاقات می کند. پیشقدم ترین شما در اسلام علی(ع) است». (منهاج البراعة فی شرح نهج البلاغه، هاشمی خویی، ج ۸، ص ۲۷۴)

البته از دیگر فضائل اختصاصی علی(ع) این است که نخستین کسی بود که با رسول خدا(ص) نماز خواند و به آن حضرت اقتدا کرده است. شیعه و اهل سنت بر این امر اتفاق نظر دارند. (مظهر ولایت: پژوهشی در زندگانی امیر مومنان از دامن مادر تا رحلت پیامبر(ص)، ناظم زاده، ۱۶۳)

در نهج البلاغه نیز به این مقوله اشاره شده است که حضرت(ع) فرمود: «اللَّهُمَّ إِنِّي أَوَّلُ مَنْ آتَىكَ وَ سَمِعَ وَ أَجَابَ لَكَ بِسَمْعِي وَإِلَّا رَسُولَ اللَّهِ (ص) بِالصَّلَاةِ»، «خدا یا! من نخستین کسی هستم که به سوی تو بازگشتم و پیام تو را شنیدم و دعوت پیامبر(ص) را پاسخ دادم و پیش از من جز رسولت(ص) کسی نماز نگذارد». (نهج البلاغه، شریف الرضی، تصحیح: صبحی صالح، ص ۱۸۹، خطبه ۱۳۱) عبادت علی(ع) نیز سرآمد مردمان عصرش بود که زبان ها از بیانش قاصرند. از این رو متناسب با این روحیه حضرت، در نهج البلاغه نیز به این محور توجه تام شده است. به گونه ای که مطالب مربوط به اهل سلوک و عبادت فراوان آمده است که به شب زنده داری ها، خوف و خشیت ها، شوق و لذت ها، سوز و گدازها، تلاوت قرآن و ... پرداخته است. (سیری در نهج البلاغه، مطهری، ص ۹۱)

یکی از مصادیق عبادت عارفانه به حق «شب زنده داری» می باشد که امام(ع) فرمود: «... أَمَا اللَّيْلُ فَصَافُونَ أَقْدَامَهُمْ تَالِينَ لِأَجْزَاءِ الْقُرْآنِ يُرْتَلُونَهَا تَرْبِيًا يُحَرِّتُونَ بِهَ أَنْفُسِهِمْ وَ يَسْتَتِيرُونَ بِهَ دَوَاءَ دَائِهِمْ فَإِذَا مَرُّوا بِأَيَّةٍ فِيهَا تَشْوِيقٌ رَكَنُوا إِلَيْهَا طَمَعًا وَ تَطَلَعَتْ نَفُوسُهُمْ إِلَيْهَا شَوْقًا وَ ظَنُّوا أَنَّهَا نَصَبٌ أَعْيَنَهُمْ وَ إِذَا مَرُّوا بِأَيَّةٍ فِيهَا تَحْوِيفٌ أَصْغَوْا إِلَيْهَا مَسَامِعَ قُلُوبِهِمْ وَ ظَنُّوا أَنَّ زَفِيرَ جَهَنَّمَ وَ شَهيقَهَا فِي أَصُولِ أَدَانِهِمْ فِيهِمْ خَائُونَ عَلَى أَوْسَاطِهِمْ مُفْتَرِّشُونَ لِجِبَاهِهِمْ وَ أَكْفِهِمْ وَ رُكْبِهِمْ وَ أَطْرَافِ أَقْدَامِهِمْ يَطْلُبُونَ إِلَى اللَّهِ تَعَالَى فِي فَكَاكِ رِقَابِهِمْ وَ أَمَا النَّهَارُ

فَحَلَمَاءُ عُلَمَاءُ أَبْرَارُ أَتْقِيَاءُ»، «پرهیزکاران در شب بر پا ایستاده مشغول نمازند، قرآن را جزء جزء و با تفکر و اندیشه می خوانند، با قرآن جان خود را محزون و داروی درد خود را می یابند. وقتی به آیه ای برسند که تشویقی در آن است، با شوق و طمع بهشت به آن روی آورند و با جان پر شوق در آن خیره شوند و گمان می برند که نعمت های بهشت برابر دیدگانشان قرار دارد و هر گاه به آیه ای می رسند که ترس از خدا در آن باشد، گوش دل به آن می سپارند و گویا صدای بر هم خوردن شعله های آتش، در گوششان طنین افکن است، پس قامت به شکل رکوع خم کرده، پیشانی و دست و پا بر خاک مالیده و از خدا آزادی خود را از آتش جهنم می طلبند. پرهیزکاران در روز، دانشمندی بردبار، و نیکوکارانی با تقوا هستند». (نهج البلاغه، شریف الرضی، مترجم: دشتی، ص ۴۰۳، خطبه ۱۹۳)

۲. جاذبه علی(ع)

در میان دانشمندان اسلامی و غربی مقوله ای با عنوان جاذبه علی مطرح است که هریک به فراخور اطلاعات و دیدگاه هایی که دارند، به طرح بحث پرداخته اند.

به عنوان نمونه در کلام رهبری از ایشان به عنوان الگوی کامل یاد شده است که می فرمایند: «امیرالمؤمنین(ع) یک الگوی کامل برای همه است. جوانی پرشور و پر حماسه او الگوی جوانان است. حکومت سراسر عدل و انصاف او الگوی دولت مردان است. زندگی سراپا مجاهدت و سراپا مسئولیت او الگوی همه مؤمنان است. آزادگی او الگوی همه آزادگان جهان است. سخنان حکمت آمیز و درس های ماندگار او الگوی عالمان و دانشمندان و روشن فکران است. (حوزه نت)

در این رابطه می توان به سخن شهید مطهری نیز اشاره داشت که می گوید: محبوبیت علی(ع) از آن نظر است که پیوند الهی دارد و دل های ما نا خودآگاه در اعماق خویش با حق پیوستگی دارد و چون علی را آیت بزرگ حق و مظهر صفات حق می یابند به او عشق می ورزند. در حقیقت عشق علی، پیوند جان ها با حضرت حق است که همیشه در فطرت ها نهاده شده و چون فطرت ها جاودانی است مهر علی نیز جاودان است. (جاذبه و دافعه علی(ع)، مطهری، ص ۱۰۰ - ۱۰۱)

بارون کارادیفو یکی دیگر از اندیشمندان غربی است که می گوید: «علی(ع) آن قهرمان دردمند و دل افسرده و آن یکه سوار ژنده پوش و آن امام شهیدی است که صاحب روحی ژرف است و رمز عذاب الهی در اعماق آن نهفته است. (امام علی(ع) صدای عدالت انسانیت، جرداق، مترجم: بهشتی، ج ۶، ص ۲۴۵)

۳. رشادت های علی(ع)

زندگی نخستین ستاره درخشان امامت مملو از حوادث و رویدادهای فراوانی است. پس از هجرت به مدینه در ۲۶ غزوه شرکت داشت. (سیره پیشوایان، پیشوائی، ص ۴۲)

پیامبر(ص) بارها شجاعت، دلیری و پایداری علی(ع) را در جنگ ستوده است. به این سبب ایشان را به القابی همچون اسدالله الغالب، حیدره، قسوره و ... نامیده است. (رک: دانشنامه امام علی(ع)، رشاد، ج ۱۰، ص ۲۷۴)

جرج جرداق در وصف امام(ع) می گوید: واقعاً سزاوار است که در جهان امروز آتش افروزان جنگ و عوامل و مسببین بدبختی های ملت ها و افراد به سخنان و کلمات قرمان اندیشه عربی؛ بزرگ مرد وجدان انسانی، علی بن ابی طالب گوش فرا دهند و آن ها را حفظ کنند و در مقابل گوینده بزرگ آن سخنان سر تعظیم فرود



آورند. (امام علی صدای عدالت انسانی، جرداق، مترجم: خسرو شاهی، ج ۴، ص ۴۷۶)
۴. خدمات علی(ع)

نقش حضرت در فرهنگ و تمدن اسلامی نقشی منحصر به فرد بود که در محورهای مبارزه با انحراف، تعیین ارکان فرهنگ، ترویج خردگرایی و آزاد اندیشی، سیره عملی، ارج نهادن به دانش، پایه گذاری علوم اسلامی، پی ریزی تمدن اسلامی و ... تعریف می شود. (رک: دانشنامه امام علی(ع)، رشاد، ج ۱۱، ص ۳۱۲ - ۳۲۳) بعد علمی شخصیت حضرت(ع) نیز محور توجه بوده است به گونه ای که کتاب های حدیثی نبوی به خط ایشان به یادگار مانده است که عبارتند از: کتاب جامعه، کتاب علی، صحیفه علی، کتاب الملاحم یا صحیفه الدوله، کتاب جفر و مصحف علی. (رک: دانشنامه امام علی(ع)، رشاد، ج ۱۱، ص ۸۷ - ۹۸)

گلچینی از سیره علی (ع) در دوره زمامداری

یکی از ابعاد زندگی امام(ع)، بعد سیاسی زندگی ایشان است که فراز و نشیب زیادی داشته است. اما ایشان در تمام این دوران انسان کاملی در مقام عمل و اجرا بود. در مجموع زندگانی سی ساله ایشان سراسر تجربه، مراقبت، تعلیم و نشر فرهنگ قرآن، آگاهی از مسائل و مشکلات جامعه و حل آن ها بود. (امام در عینیت جامعه، حکیمی، محمد رضا، ص ۲۰) سیره سیاسی امام(ع) در اصولی از قبیل راست گویی و راست کرداری، حق مداری و باطل ستیزی، قانون مداری، سازش، نظم و انضباط، شایسته سالاری، نظارت بر کارگزاران، پرهیز از اعمال زور، نقد پذیری، ارتباط دائم با مردم، رعایت حقوق اقلیت ها، تعلیم و تربیت و ... خلاصه می شود که در این نوشتار محل بحث تفصیلی آن نمی باشد. (رک: دانشنامه امام علی(ع)، رشاد، ج ۱۰، ص ۵۵ - ۷۹)

دوره خلافت و زمامداری ایشان نیز سراسر عدالت و احیا سنت های اصیل اسلامی بود که بر گروهی سخت و گران آمد و به نوعی در مقابل ایشان صف کشی کردند که منجر به وقوع جنگ با ناکثین، قاسطین و مارقین شد. (سیره پیشوایان، پیشوائی، ص ۸۲) امام در دوره چهارم عمر شریفشان بر اثر شرایط خاصی که ایجاد شده بود. از صحنه اجتماع کناره گیری کرد و سکوت را برگزید. دوره ای که امام بنا به شرایط خاص می بایست از خلافت کناره گیرد و به فعالیت های زیربنایی و اصلی از قبیل تفسیر قرآن، پاسخ به پرسش های دانشمندان، بیان احکام نوظهور، مشاوره به دستگاه خلافت، تربیت شاگردان، عبادت خدا و کار و کوشش برای زندگی بینوایان (پژوهشی پیرامون زندگی علی(ع)، سبحانی، ج ۱، ص ۱۹۱ - ۱۹۳) مشغول بود.

با وجود کناره گیری امام(ع) از امر خلافت و زمامداری، ایشان همچنان به عنوان انسان نمونه ای مطرح بودند که علامه حسن زاده آملی از تعبیر قطب زمان استفاده کرده است. (انسان کامل از دیدگاه نهج البلاغه، حسن زاده آملی، ص ۱۴۹) در سخنی از حضرت امیر(ع) نیز آمده است که: «أَنَّ مَحَلِّي مِنْهَا مَحَلَّ الْقَطْبِ مِنَ الرَّحَى»، «جایگاه من نسبت به آن چونان محور است به آسیاب.» (معانی الأخبار، ابن بابویه، ص ۳۶۱)

۱. مظلومیت مولا و مصداقش

وقتی زندگی علی(ع) را مرور می کنیم به مظلومیت ایشان و ظلم هایی که در حقتان صورت گرفته، می رسیم که درک و تصور آن برای ما آسان نیست. امام هادی(ع) در زیارت نامه امیر مومنان(ع) از ایشان با تعبیر «اول مظلوم» یاد کرده است: «أَشْهَدُ أَنَّكَ أَوْلُ مَظْلُومٍ وَأَوْلُ مَنْ غُصِبَ»، «شهادت می دهم که تو اول مظلوم و نخستین کسی هستی که حقت را غصب کرده اند.» (کامل الزیارات، ابن قولویه، ص ۴۱)

مصداق های مظلومیت ایشان در محورهای غصب خلافت و فدک، ضرب و جرح و شهادت حضرت زهرا(س)، سب و لعن امام علی(ع)، پیشگیری از نشر فضایل علی(ع)، تحریف تاریخ و جعل حدیث و تبلیغ سوء، سرپیچی مسلمانان از دستوره های علی(ع)، چگونگی شهادت حضرت و آزار شیعیان پس از قتل مولا خلاصه می شود. (رک: دانشنامه امام علی(ع)، رشاد، ج ۱۱، ص ۲۳۲ - ۲۵۰)

۲. غصب حق علی(ع)

علی(ع) پس از پیامبر(ص) شایسته ترین فرد برای اداره امور جامعه اسلامی بود که از نظر فضیلت، بینش فقهی و قضائی، جهاد در راه خدا و سایر صفات انسانی بی نظیر بود. در جریان غدیر هم به عنوان رهبر آینده مسلمانان معرفی شده بود که عملاً چنین نشد و مسیر خلافت پس از رحلت پیامبر(ص) منحرف شد و امام(ع) از صحنه سیاسی و مرکز تصمیم گیری در اداره امور جامعه اسلامی دور ماند. (رک: سیره پیشوایان، پیشوائی، ص ۶۴)

۳. سکوت و مردم زمان

تاریخ خلافت و زندگی حضرت امیر(ع) به خوبی روشن می نماید

که جامعه زمان ایشان شباهت هایی به اقوام قبل دارد. البته سنت هستی بر این مدار می چرخد که همیشه مردم دسته های متفاوتی نسبت به حق و باطل تشکیل می دهند که از ابتدا تا کنون بوده و زندگی می کردند. با این تفاوت که گاهی لباس ظاهری و توطئه را تغییر می دهند.

مشکل اصلی در جامعه زمان حضرت خوارچ بودند با طرز تفکر و برخوردی که داشتند در واقع در پی فریب مردم بودند. خوارچ با تنگ نظری و کوته بینی که داشتند همه را به بی دین می خواندند. حضرت(ع) نیز با این طرز فکر و اندیشه آن ها پیکار کرد. (مجموعه آثار، مطهری، ج ۱۶، ص ۳۲۶ - ۳۲۷)

امام(ع) در قسمتی از خطبه ۲۶ نهج البلاغه فرمود: «وَأَغْضَيْتُ عَلِيَّ الْقَذِي، وَ شَرَيْتُ عَلِيَّ الشَّجَا، وَ صَبَرْتُ عَلِيَّ أَخَذَ الْكُظْمِ وَ عَلِيَّ أَمْرٌ مِنْ طَعْمِ الْقَلْقَمِ»، «خار در چشمم بود و چشم ها را بر هم نهادم، استخوان در گلویم گیر کرده بود و نوشیدم، گلویم فشرده و تلخ تر از حنظل در کامم ریخته بود و صبر کردم.» (الغارات، ثقفی، ج ۱، ص ۳۰۹) بنابراین سکوت امام(ع) ناشی از ترس از مرگ و ... نبود. بلکه این سکوت بنا به مصلحت اسلام و مسلمین بود.

۴. عدالت علی(ع)

از نمونه های بارز دوران زندگی حضرت(ع) به ویژه مقطع زمامداری ایشان، عدالت گستری در میان مردم بود که به هدف رضایت آن ها صورت می گرفت.

ایشان در بیان آثار عدالت و عدم آن در زندگی می فرماید: «إِنَّ فِي الْعَدْلِ سَعَةً وَ مِنْ ضَاقِ عَلَيْهِ الْعَدْلُ فَالْجَوْرُ»، «در عدالت گشایش است، آن کس که عدالت بر او تنگ شود، پس ستم بر او سخت تر است.» (بحار الانوار، مجلسی، ج ۴۱، ص ۱۱۶)

۵. برخورد با اقشار مردم

مردم به لحاظ رفتاری در گروه ها متفاوتی قرار می گیرند. به عبارتی مردم به جهت سطح اعتقادی و آگاهی از مسائل و موضوعات پیرامون، مختلف می باشند. به تبع این عوامل و سایر تبلیغات متضاد در درون جامعه ممکن است، اقشار مردم را به سمت و سوی مخالف رهبر جامعه سوق دهد.

در دوران زمامداری امام(ع) نیز جامعه از این نیرنگ و فریب ها خالی نبود و سبب شد که جنگ های متعددی به وقوع پیوندد. از این رو امام(ع) با تدبیر و مصلحت اندیشی خاص، برخوردهای متناسبی با مردم اختیار می کرد.

به عبارت دیگر سیاست امام(ع) در برخورد با مردم دو گونه بود آن ها را که شایسته بودند مانند مالک اشتر، عمار یاسر، کمیل بن زیاد و ... جذب می کرد. کسانی که شایستگی نداشتند را قاطعانه طرد و دفع می کرد. (فرازهایی برجسته از سیره امامان شیعه(ع)، محمد تقی عبدوس و محمد محمدی اشتهاردی، ج ۱، ص ۷۳)

در تبیین و تایید روش امام در برخورد با مردم می توان به آیه «... وَ مَا كُنْتُ مُتَّخِذَ الْمُضِلِّينَ عَضُدًا...»، «و من آن نیستم که گمراهگران را همکار خود بگیرم.» (کهف/۵۱) استناد کرد.

همچنین حضرت با توجه به این امر این که نقد سازنده می تواند بسیاری از کجی ها و انحراف های زمامداران را اصلاح کند و جامعه را به سوی ترقی پیش برد. تاکید فراوانی بر انتقاد سازنده دارد. (رک:

دانشنامه امام علی(ع)، رشاد، ج ۱۰، ص ۷۳)

دقت نظر امام(ع) به مسائلی از این قبیل به حدی بود که وقتی امام(ع) حکومت مصر را به مالک اشتر واگذار کرد در رابطه با انقلاب اداری و گزینش کارمندان جدید به او دستور داد: «ثُمَّ انظُرْ فِي أُمُورِ عَمَّا لِكَ فَاسْتَعْمَلْهُمْ [اِخْتِيَارًا] اِخْتِيَارًا وَ لَا تُولِّهِمْ مُحَابَاةً وَ أُثْرَةً فَإِنَّهُمَا جَمَاعٌ مِنْ شَعْبِ الْجَوْرِ وَ الْخِيَانَةِ...»، «سپس در امور کارمندان خود به درستی بیندیش و آن ها را بر اساس بررسی و آزمایش برگزین و بدون بررسی و یا به جهت دوستی های اختصاصی و تبعیض کسی را به کار مگمار که این عمل مجموعه ای است از شاخه های ظلم و خیانت...». (شرح نهج البلاغه، ابن

أبي الحديد، ج ۱۷، ص ۶۸، نامه ۵۳)

عمل به این توصیه و پیاده کردن این فرمان یکی از وظایف اولیه و حساس رهبران انقلاب اسلامی است. (رمز تداوم انقلاب در نهج البلاغه، محمدی ری شهری، ص ۱۳۳)

همان طور که پیامبر(ص) نیز در این باره فرمود: «آن کسی که کارمندی را از میان عده ای به کاری از امور کشور گمارد در صورتی که بهتر از او وجود دارد به خدا خیانت کرده است.» (بحار الانوار، مجلسی، ج ۲۳، ص ۷۵)

۶. پرهیز از شتابزدگی در امور

شتاب و عجله همیشه به نتیجه مثبت منتج نمی شود. بلکه شتاب سبب نقص در کار و ایجاد مشکلات جانبی می شود که گاهی اصل کار را به سمت نابودی پیش می برد. از این جهت امام(ع) فرمود: «مِنَ الْخُرْقِ الْمَعَاجِلَةِ قَبْلَ الْإِمْكَانِ وَ الْآتَاءِ بَعْدَ الْفُرْصَةِ»، «شتاب کردن پیش از توانا بودن و درنگ ورزیدن پس از فرصت داشتن، از بی خردی است.» (وسائل الشیعه، حر عاملی، ج ۱۶، ص ۸۴)

در جای دیگر آمده است که امیر مومنان(ع) به مالک اشتر می آموزد که در اداره امور پیش از آن که مقدمات کاری را فراهم کند. دست به عمل نزند و نیز زمانی که امکان عمل وجود دارد، سستی ننماید. آن جا که شرایط را فراهم نکرده است، لجاجت نرزد و آن جا که شرایط را فراهم کرده است کندی ننماید. (دولت آفتاب: اندیشه سیاسی و سیره حکومتی علی(ع)، دلشاد تهرانی، ص ۳۲۱)

پایان بحث

در پایان به دعای روز بیست و یک رمضان اشاره می شود:

«اللَّهُمَّ اجْعَلْ لِي فِيهِ إِلَهِي مَرْضَاتِكَ ذَلِيلًا وَ لَا تَجْعَلْ لِلشَّيْطَانِ فِيهِ عَلَيَّ سَبِيلًا وَ اجْعَلْ الْجَنَّةَ لِي مَنْزِلًا وَ مَقِيلًا يَا قَاضِيَ حَوَائِجِ الطَّالِبِينَ.»

«خدایا قرار بده برای من در آن به سوی خوشنودی هایت راهنمایی و قرار مده شیطان را در آن بر من راهی و قرار بده بهشت را برای من منزل و آسایشگاه ای برآورنده حاجت های جویندگان.»

(إقبال الأعمال، ابن طاووس، ج ۱، ص ۲۰۳)